

بررسی دیدگاه مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان در شهرستان سروستان

Investigating the views of rural men towards women's employment in Sarvestan city

Behbod Khademi

M.A in General Psychology. Islamic Azad University; Science & Research Branch.

Sahar Haj Ghorbani

Assistant Professor, Department of General Psychology Islamic Azad University; Science & Research Branch

Email: Sahar.hajghorbani@gmail.com

بهبود خادمی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.

سحر حاج قربانی*

استادیار گروه روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.

Abstract

The purpose of this research was to investigate the views of rural men on women's employment in Sarvestan city. This research was an applied research in terms of its purpose, and a descriptive-explanatory research in terms of its nature and method. The statistical population studied in this research included all the men in the villages of Sarvestan, whose women are engaged in administrative and domestic occupations, in the number of 125 people, and due to the limited number of the statistical population, using a simple random method, 94 people from They were selected as the sample size. The collection tool included a researcher-made questionnaire about rural men's views on women's employment. After analyzing the data and also testing the developed hypotheses, the following results were obtained: There is a significant relationship between the age and education of rural men with the variables of their perspective, perception and cultural perspective towards women's employment. However, a significant relationship was confirmed between the income and social class of rural men and the variables of their perspective, perception and cultural perspective towards women's employment. did not take.

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی دیدگاه مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان در شهرستان سروستان بوده است. این تحقیق به لحاظ هدف، پژوهشی کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات، و از نظر ماهیت و روش، پژوهشی توصیفی-تبیینی بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق شامل کلیه مردان روستاهای شهرستان سروستان که زنان آنها در حوزه های مشاغل اداری و خانگی مشغول هستند، به تعداد ۱۲۵ نفر بودند که با توجه به تعداد محدود جامعه آماری، با استفاده از روش تصادفی ساده، ۹۴ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری، شامل پرسشنامه محقق ساخته دیدگاه مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان بود. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها و همچنین آزمون فرضیه های تدوین شده، نتایج زیر حاصل شد: بین سن و تحصیلات مردان روستایی با متغیرهای دیدگاه، ادراک و دیدگاه فرهنگی آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد. اما بین درآمد و طبقه اجتماعی مردان روستایی با متغیرهای دیدگاه، ادراک و دیدگاه فرهنگی آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری مورد تایید قرار نگرفت.

واژه‌های کلیدی: اشتغال زنان، دیدگاه فرهنگی، مردان روستایی، طبقه بندی اجتماعی.

Keywords: women's employment, cultural perspective, rural men, social classification.

پذیرش: مرداد ۱۴۰۲

دریافت: خرداد ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

در دنیای پیچیده امروز اشتغال زنان در جامعه و در خانواده ابعاد و معانی جدیدی پیدا کرده است و از این رو روابط زن و مرد و تنش‌های میان آنان دستخوش تغییرات بسیاری شده است. در ایران نیز با آغاز ورود فرآیند نوسازی به کشور و همگانی شدن نظام آموزشی در کشور، آشنایی با تحولات ساختاری در سایر جوامع و رشد ارتباطات اجتماعی، شکل روابط در خانواده ایرانی نیز دگرگون شد. به طوری که مشارکت زنان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به طرز چشمگیری افزایش یافته و ساخت خانواده و الگوهای روابط خانوادگی بخصوص کنش متقابل زن و شوهر تغییر یافته و تحولی در نگرش افراد نسبت به توزیع نقش‌ها پیدا شده است، از این رو زنان به برداشت الگوهای سنتی از نقش خود بسنده نکرده و نقش‌های جدیدی را برای خود لحاظ می‌کنند. اما با این وجود کشور ایران از نظر میزان اشتغال زنان در آخرین رده‌های جهان و حتی در میان کشورهای در حال توسعه و کشورهای منطقه قرار دارد. در ایجاد این وضعیت علاوه بر موانع ساختاری و اقتصادی، موانع اجتماعی و فرهنگی همچون تبعیض جنسیتی اشتغال، نگرش سنتی و مردسالارانه دخیل هستند. یکی از عوامل موثر بر حضور زنان در موقعیت‌های اقتصادی- اجتماعی، نوع نگاه مردان به نقش‌های است که زنان در جامعه می‌توانند ایفا کنند و نگرش مثبت و منفی آنان در کمیت و کیفیت اشتغال زنان اثرگذار است. توسعه و پیشرفت هر کشوری به عوامل مختلف، از جمله اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی بستگی دارد. بطور کلی نیروی کار آمد انسانی یکی از عوامل مهم و اساسی برنامه‌های توسعه به شمار می‌آید که بدون آن، امکان توسعه مشکل به نظر می‌آید. با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت هر کشوری را به خود اختصاص می‌دهند، حضور یا عدم حضورشان در موسسات جامعه بر امکان استفاده مؤثر از تمامی ظرفیت بالقوه کشور تأثیر می‌گذارد. هر گونه مطالعه‌ای بر روی وضعیت زنان، مستلزم آن است که موقعیت آنها در زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد و در این راستا، نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی تأثیرگذار بر روی روابط اجتماعی که زمینه‌های فعالیت زنان را میسر می‌سازند اساسی بنظر می‌رسند (لهسانی زاده، ۱۳۸۰). توزیع و تفکیک نقش‌ها بر حسب جنسیت، پدیده‌ای جهانی شمول و دارای قدمتی به درازای تاریخ بشر است. به باور دیرینه شناسان، بشر در دوره پارینه سنگی در اجتماعاتی زندگی می‌کرده است که بر اساس شکار حیوانات و گردآوری مواد غذایی سازمان یافته بودند. در آن اجتماعات، مردان بیشتر به شکار و زنان به گردآوری میوه‌ها، سبزی‌ها و دانه‌های غلات می‌پرداختند. بنابراین فرضیه، زنان در دوره‌هایی از تاریخ در نقش نان‌آوری خانه نیز درگیر بوده‌اند، اما بدون شک در بسیاری از دوره‌های تاریخی به ویژه پس از گسترش شهرنشینی، زنان چنین نقش‌هایی را کمتر به عهده داشته‌اند و معمولاً به ایفای نقش‌هایی مانند انجام خدمات خانگی، حمایت عاطفی و مراقبت از دیگر اعضای خانواده به عنوان نقش‌های اصلی می‌پرداخته‌اند، در حالی که نقش‌هایی همچون نان‌آوری خانواده و مدیریت و رهبری در خانواده و اجتماع اغلب بر عهده مردان بوده‌اند. یکی از عوامل مؤثر بر حضور زنان در موقعیت‌های مختلف اقتصادی- اجتماعی، نگرش مردان نسبت به نقش‌هایی است که زنان در جامعه می‌توانند ایفا کنند. از طرف دیگر نگرش مردان خود تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی است که می‌توان آن را تحت عنوان پایگاه اجتماعی اقتصادی آنان مورد بررسی قرار داد. پایگاه اجتماعی- اقتصادی یکی از عوامل بسیار مؤثر بر نگرش مردان است که از طریق فرایند جامعه‌پذیری اعمال نفوذ می‌کند. در فرایند جامعه‌پذیری، الگوهای رفتاری متفاوتی به مردان و زنان اختصاص می‌یابد و مردان و زنان از کودکی این الگوها را درونی کرده و با آن رشد می‌یابند. پس بر این اساس جامعه به تقسیم بندی و تقسیم نقش‌ها می‌پردازد که در آن برخی

نقش‌ها مختص مردان و برخی به زنان تعلق دارد در اصطلاح جامعه‌شناسی آمده که شغل یا پیشه کاری است که در مقابل دستمزد با حقوق منظم انجام می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۷). مطالعات گسترده نشان داده است که هم مردان و هم زنان اعتقاد دارند که کار برای زن کم‌تر از مرد اهمیت دارد و مردان به لحاظ وظیفه‌ای که در تأمین معاش خانواده دارند باید دستمزد بیشتری دریافت کنند و از امنیت شغلی بیشتری برخوردار باشند. مردان «نان آور» به حساب می‌آیند در صورتی که زنان تیمارداران خانه‌اند. حال آنکه هیچ دلیل موجهی برای این وضع وجود ندارد و کاملاً ممکن است که زن و مرد را به یک اندازه در تأمین معاش خانواده و انجام کارهای خانه و بچه‌داری مسئول دانست. در حقیقت، برای بسیاری از زنانی که در بیرون از خانه به کارهای مزدی اشتغال دارند فرضیه‌ی «جای زن در خانه است» بسیار دور از واقعیت جلوه می‌کند. با این حال پی‌آمدهای عملی این فرضیه هم‌چنان گریبانگیر زنان متأهل است؛ بسیاری از آنان، همانند شوهرانشان و کارفرماها و دولت، باور دارند که حتی اگر شغلی داشته باشند باز صرفاً یا درجه اول مسئول خانه‌داری و بچه‌داری‌اند. این تصور چنان نافذ و از زمرهی بدیهیات عقل سلیم به‌شمار می‌آید که به‌ندرت مورد تردید یا اعتراض واقع می‌شود. انواع شغل‌های که زنان متأهل جستجو می‌کنند یا به ایشان عرضه می‌شود متأثر از همین تصورات است. حتی دخترهای جوانی که تازه مدرسه را تمام می‌کنند در انتخاب شغل از تأثیر آن دور نمی‌مانند، نه تنها به سبب آرزوهای شخصی خود بلکه به دلیل آنچه متصدیان کاریابی، والدین، مدرسه و کارفرماها برای ایشان مناسب تشخیص می‌دهند

مبانی نظری پژوهش

اشتغال

اشتغال در لغت به معنی به کاری سرگرم شدن است. در مورد تعریف اصطلاحی از اشتغال، تعاریف متعددی از دیدگاه‌های مختلف ارائه شده است، اما وجه مشترک آنها به کارگیری نیروهای متخصص کار در مشاغل تخصصی و مطابقت دادن متخصصان با پست‌های تخصصی مورد لزوم سازمان اجتماعی است. اشتغال در یک جمله به معنای به کارگیری عوامل تولید یا به کارگیری ظرفیت‌های موجود است. اشتغال همواره با کار، روابط مشخصی دارد. این روابط را می‌توان با عنوان رابطه سودبخش برای کسب درآمد (پولی، جنسی یا خدماتی) تعریف کرد که خود وسیله‌ای برای ارضای برخی از احتیاجات است (احمدی، ۱۳۹۹). لازم است میان مفهوم «اشتغال» در حوزه اقتصاد و مفهوم «کار» یا فعالیت تمایز نهاد. اشتغال به فعالیتی می‌گویند که به منظور تهیه و تولید کالا و خدمات اقتصادی انجام می‌شود درحالی که کار معنایی عام دارد و هر فعالیتی را دربر می‌گیرد. اما در عصر صنعتی، با شکل جدیدی از اشتغال روبه روییم که سه ویژگی دارد انجام فعالیت در زمان مشخص و منظم، دریافت مزد در قبال ساعات کار و وجود فاصله میان محل کار و محل زندگی که گاه از آن به فاصله گرفتن مصرف از تولید تعبیر می‌شود اشتغال در نظریه اقتصادی، «کوشش انسانی یا فعالیتی است که در جهت تولید هدایت می‌شود. به عنوان یک عامل تولید، کار از مواد اولیه، سرمایه و مدیریت، جدا و فقط شامل مساعی کارگران در اشتغال است. به عبارتی، کار همه افرادی را شامل می‌شود که برای زیستن کار می‌کنند. این تعریف به نیروی کار یک ملت برمی‌گردد که شامل کلیه جمعیت قابل اشتغال و بالای سن معین است» (رضایی، ۱۴۰۰). عدالت جنسیتی را می‌توان تعدیل عدالت اجتماعی در حوزه جنسیت دانست. به عبارت دیگر، عدالت جنسیتی اشاره به مبنایی دارد که براساس آن، منابع و امکانات به صورت غیر تبعیض آمیز میان زنان و مردان تقسیم می‌شوند. پیش از بررسی مفهوم عدالت جنسیتی، فهم واژه جنسیت ضروری است نسبت به لحاظ لغوی و مفهومی، متفاوت از جنس است. جنس، اشاره به تفاوت‌های زیست‌شناختی میان مردان و زنان دارد اما جنسیت به نقش‌های اجتماعی متفاوت میان زنان و مردان گفته می‌شود. جنسیت بیش از آنکه از تفاوت‌های زیستی ناشی شود ریشه در فرهنگ، تاریخ، مذهب و به طور کلی هنجارها و سنت‌ها دارد. به عبارت دیگر، جنسیت یک امر برساخته و مصنوع است، اما جنس امری طبیعی

و بیولوژیک می باشد. جنسیت اشاره به سنت هایی دارد که بدون آنکه توجهی به فردیت زنان داشته باشد، آنها را در جایگاهی نابرابر نسبت به مردان قرار می دهد.

شاخص اشتغال زنان

اشتغال زنان با توجه به گسترش روزافزون سازمان ها و نهادهای اجتماعی و ایجاد مراکز خدماتی و افزایش جمعیت شهرها از مهمترین مسایلی است که در رابطه‌ی تنگاتنگ با خانواده قرار می گیرد. کاهش و از بین رفتن الگوی خانواده‌ی گسترده و رشد خانواده‌های هسته‌ای که سبب می‌شود تا زن و شوهر به عنوان دو رکن اصلی خانواده جدا از خانواده‌های خویش با یکدیگر زندگی کنند، سبب افزایش توجه به موضوع مشارکت زنان می‌شود. شاخص توسعه انسانی برای زنان در کشورهای توسعه یافته ۸۰ درصد، در کشورهای توسعه نیافته ۶۰ درصد مردان و در ایران شاخص، ۶۱ درصد مردان می باشد. بررسی علل این تفاوت در کشورهای توسعه نیافته نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه یافته بر تفاوت‌های مربوط به بازار کار، تفاوت در تعلیم و تربیت، بهداشت و تغذیه نیز به چشم می‌خورد. در کشورهای توسعه نیافته، زنان امید اول برای ارتقای خانواده‌ها و رشد و توسعه اجتماعی جامعه‌ی خود هستند.

چالش‌های سازمانی زنان شاغل می‌تواند منجر به رکود مسیر شغل آنها شده و دیدگاه اکت می‌تواند در ارتباط با چالش‌های سازمان زنان شاغل و کیفیت زندگی کاری آنان در صنعت مداخلات لازم برای توسعه سازمانی را برنامه‌ریزی کند و با استفاده از برنامه مشاوره مسیر شغلی با رویکرد اکت به تصریح دغدغه زنان شاغل کمک کند. رویکرد اکت می‌تواند به زنان شاغل در بهبود دو بعد یعنی چالش فردی و خانوادگی زنان شاغل در صنعت کم نماید. با این رویکرد بستری برای زنان شاغل در صنعت فراهم می‌شود تا به احساسات و اهداف خود از اشتغال در محیط‌های صنعتی ذهن آگاهی پیدا کرده و درک کنند که آنها تنها برای دریافت حقوق زحمت نمی‌کشند بلکه آنچه دریافت می‌کنند به آنها اجازه می‌دهد استقلال خود را حفظ کرده و در تامین مایحتاج فردی و خانوادگی مستقل عمل نمایند. زنان بدلیل چالش‌های موجود و راه‌حل‌های تکراری و سرزنش از سوی خود، خانواده و محیط کار دچار شرم و خودانتقادگری شده و همین امر تضاد خشونت و مهربانی، عدم اعتماد به نفس، اضطراب، احساس فقدان حمایت اجتماعی، طرد شدگی، ترس از مورد سو استفاده قرار گرفتن، نادیده انگاشته شدن و فراموش شدن قرار دارد و نهایتاً مشکلات روانشناختی را برای زنان بوجود آورده و بهداشت روان آنان را دچار مشکل می‌نماید (عابدی و همکاران، ۱۴۰۰). در سراسر جهان زنان، به عنوان رکن اساسی واحدهای تولیدی، همواره مطرح بوده‌اند و ساختار اقتصادی خانواده بدون حضور آنها پایداری نخواهد داشت. در بیشتر کشورهای در حال توسعه آنان با تولید بین ۶۰ تا ۸۰ درصد محصولات غذایی بار مسئولیت تولید نیمی از مواد غذایی در سطح جهان را به دوش می‌کشند (کلمن - جنسن^۱، ۲۰۰۹). اما همواره با محدودیت‌های ساختاری روبه‌رو هستند. زنان روستایی بیشتر در کارهای خانگی و مزرعه به کار مشغول‌اند و بیشترین زمان را صرف دریافت آب و سوخت، مراقبت از کودکان و بیماران، و فراهم کردن مواد غذایی می‌کنند. دلیل آن ضعف زیرساخت‌ها و خدمات ضعیف روستایی و همچنین نقش‌های تعیین شده فرهنگی است که مشارکت زنان در فرصت‌های شغلی را به شدت محدود می‌کند.

توجه به زنان و به خصوص زنان شاغل که بخش مهمی از چرخه اقتصاد روستایی را عهده دارند، می‌تواند راهگشای بسیاری از مباحث و چالش‌های توسعه روستایی در کشور باشد.

¹ Coleman-Jensen

اهمیت اشتغال زنان به ویژه زنان روستایی

به گزارش سازمان جهان کار (۱۹۷۶)، ایران از لحاظ شاخص توسعه جنسیتی ۷۱۹/ و رتبه ۷۸ در جهان را داراست. بنابراین بر این اساس، کم توجهی سازمان ها و مراکز متولی تهیه آمارهای رسمی و در نظر گرفتن زنان روستایی به عنوان جمعیت غیر شاغل و خانه دار، موجب پنهان ماندن نقش زنان در اقتصاد خانوار و به تبع آن توسعه روستایی و کشاورزی گردیده است. از طرفی نگرش مردان روستایی نسبت به زنان همراه با تحقیر و توهین و یا تبعیض جنسی در افراد جامعه نسبت به مسائل اقتصاد زنان زمینه برای یک نوع سردرگمی و احساس بی هویتی و ناامنی در آنان مهیا می کند. از طرفی نبود باور در جامعه روستایی به نقش ها کلیدی زنان و بی توجهی دست اندر کاران برنامه های توسعه نسبت به روابط و مناسبات جنسیتی موجب می شود که در اغلب این کشورها زنان روستایی عناصری حاشیه ای، غیر فعال و غیر مولد به حساب آمده، در برخورداری از آموزش های نوین، توزیع عادلانه در آمد، ارتباط با بازار کار و در یک کلام، در مشارکت و تصمیم گیری در سطوح خرد و کلان، همچنان در حاشیه قرار گیرند. نقش اشتغال زنان در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است، به طوری که می توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی کرد. اشتغال زنان می تواند بر استقلال، خودباوری، اتکای به نفس، سازگاری و سلامتی اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، استمرار آموزش، خودکارآمدی، و مسئولیت پذیری مؤثر باشد.

نظریاتی از قبیل فرضیه اعتلای نقش (هارتلی^۲، ۱۹۹۲)، نظریه بسط نقش، و فرضیه تجمع نقش (والدرون^۳، ۱۹۹۸) اشتغال زنان در فرایند توسعه را مثبت و معنادار ارزیابی کرده اند. از تئوری های موجود در این حوزه می توان به نظریه رفاه (شادی طلب، ۱۳۸۱)، دیدگاه اقتصاددانان تو کلاسیک (اتکر^۴، ۲۰۰۰)، نظریه تجزیه شدن بازار کار (باقری، ۱۳۸۲)، نظریه توانمندسازی (گوگردچیان، ۱۳۹۳) می توان اشاره کرد. در جامعه روستایی، زنان، با بهره مندی از جایگاه اجتماعی - اقتصادی متفاوت، ایفاگر نقش هایی متعدد و متنوع اند. ارزش کار زنان روستایی چه در کشورهای توسعه یافته چه در حال توسعه همواره مورد غفلت قرار گرفته است. در این راستا، فعالیت هایی که از سوی زنان روستایی در کشاورزی معیشتی، بازارهای کار محلی و مزارع و دامداری و همچنین در تولید صنایع دستی و خانه داری انجام می گیرد در اندازه گیری فعالیت های اقتصادی کشور نادیده گرفته می شود. این گرایش، به خصوص در ارزشیابی کار زنان روستایی، جایی که محدوده میان فعالیت های اقتصادی و غیراقتصادی از جنبه آماری به صورت قراردادی تعیین می شود، مشاهده می شود و به طور کلی اطلاعات آماری و جمعیتی زنان روستایی را در طبقه غیر شفاف و به عنوان کار افراد خانواده بدون دستمزد قرار داده است و در نتیجه میزان مشارکت آنها در کار کشاورزی و همچنین فعالیت های تولیدی دیگر چون صنایع دستی، قالی بافی، گلیم بافی، دامداری، و موارد دیگر بسیار ناچیز شمرده می شود (رضایی، ۱۴۰۰).

تجارب به دست آمده از رویکردهای مختلف توسعه در دهه های گذشته بیانگر آن است که درون زا بودن توسعه، اتکا به منابع خودی، استفاده بهینه از منابع مختلف، و توازن و تعادل در توسعه از عوامل اصلی دوام آن به شمار می آید. توسعه روستایی به عنوان هدف توسعه یا راهبرد دست یابی به آن در بسیاری از کشورها به ویژه در کشورهای در حال توسعه، که بخش زیادی از جمعیت آنها در روستاها زندگی می کنند، مورد تأکید برنامه ریزان این کشورها قرار گرفته است. البته، این نوع از توسعه نیازمند روش شناسی ویژه ای است که از کشوری با کشور دیگر تفاوت دارد و باید در چارچوب نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر کشور تعیین شود. از آنجا که انسان ها مهم ترین عامل توسعه اند و زنان نیمی از منابع انسانی هر جامعه ای را تشکیل می دهند، برنامه ریزی اصولی برای آنها باید از بنیادهای مهم هر جامعه ای باشد به ویژه اینکه در نظر گرفتن این جمعیت، چه به عنوان تولید کننده، چه به عنوان خدمت رسان، و حتی مصرف کننده، در تعادل و توازن توسعه نقش اساسی دارد. به طور کلی

² Hartley

³ Waldron

⁴ Anchor

زنان فعالیت های مختلفی را نیز انجام می دهند، اما منجر به درآمدهای ملموسی برای آنان نمی شود. همین امر باعث شده تا زنان روستایی بر انتخاب های زندگی کنترل کمتری داشته باشند، ولی با توجه به تغییرات اجتماعی گوناگون، فعالیت های زنان نیز از جنبه های گوناگون به سرعت در حال دگرگونی است و در بعضی از موارد منجر به کسب درآمد مستقل برای زنان روستایی می شود که می توان به عنوان مشارکت زنان روستایی در بازار کار آن را مورد بررسی قرار داد. در نظریه ستیز، نابرابری اقتصادی میان زنان و مردان، منشأ کلی نابرابری جنسیتی است و از آنجا که مردان، دسترسی بیشتری به منابع قدرت دارند، از آن در جهت اعمال فشار و تداوم یک نظام قشربندی مبتنی بر جنسیت استفاده کرده اند (لوو فیلیپ^۵ و همکاران، ۲۰۱۸). رندال کالینز^۶، خانواده را عرصه کشمکش جنسی می داند که در آن زنان همیشه تحت تسلط مردان بوده اند

اشتغال زنان و توسعه

از مهمترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می باشند. اکنون نگاه جهان، بیشتر به سوی زنان معطوف شده است زیرا امروز، برای تحقق توسعه اجتماعی، تسریع فرایند توسعه اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتماعی، چنانچه به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت (قاسمی، ۱۳۹۸). نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعه اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و از این رو در تحول همه جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می گردد. با توجه به اینکه نیمی از کل جمعیت جهان را زنان تشکیل می دهند و دو سوم ساعات کار انجام شده توسط زنان صورت می پذیرد، تنها یک دهم درآمد جهان و فقط یک صدم مالکیت اموال و دارایی های جهان به زنان اختصاص یافته است. بنابراین وجود نابرابری برای زنان در تمامی جوامع کم و بیش وجود دارد که در برخی از سازمان های جهانی در چند سال اخیر به این مسئله بیشتر توجه شده و در برنامه ریزی های خرد و کلان اقتصادی و اجتماعی سازمان های مختلف جهانی قرار گرفته است. در چند سال گذشته، مطالعات متعددی در مورد تجزیه و تحلیل موقعیت زنان در سطوح منطقه ای، ملی، میزان اشتغال آنان و عوامل بازدارنده فعالیت زنان، نگرش ها و تمایلات زنان و نقش زنان در توسعه انجام شده است که سعی در آماده سازی افکار عمومی ملت ها، سیاستگذاران و برنامه ریزان جهت حل مشکلات مربوط به دستیابی زنان به اشتغال بیشتر را داشته است. از آنجایی که در بررسی عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی اجتماعی کشورها، توجه به نیروی انسانی و تخصص مطرح است لذا سخن از اشتغال زن و رابطه آن با توسعه نیز امری ضروری است.

از نقطه نظر اجتماعی، اشتغال به طور اعم عبارت است از مشغول شدن یک فرد به انجام فعالیتی دسته جمعی برای برآوردن نیازهای مادی و معنوی گروهی. از دیدگاه فرهنگی اشتغال عبارت است از سازش فکری، روحی و جسمی یک فرد با فرصت های مختلفی که در جامعه به دست می آید و از دیدگاه اقتصادی عبارت است از چگونگی کاربرد درجات مهارت، مقدار نیروی کار در اختیار، کیفیت و کمیت تجهیزات در دسترس، شیوه های فنی موجود، میزان رقابت عادات به مصرف و تولید و مطلوبیت درجات شدت کار که در تولید و توزیع درآمد ملی مؤثرند.

از عمده ترین نظریه های مرتبط با تجزیه شدن بازار کار، نظریه بازار کار دوگانه است. به اعتقاد طرفداران این نظریه، می توان به جای این که تفاوت های جنسیتی را ناشی از ویژگی های ذاتی زنان دانست، حداقل قسمتی از آن را به نوع مشاغل نسبت داد. یکی از انتقادات عمده بر این دیدگاه این است که این نظریه، نحوه تفکیک نیروی کار بر مبنای جنسیت را در داخل بخش های اولیه و ثانویه روشن نمی کند، همچنین، این نظریه به این سؤال که چرا جنسیت در چنین ابعاد مهم و پایدار، عامل تقسیم بندی بازار کار شده است پاسخ نمی دهد. این دسته از نظریه ها، بازار کار را قشربندی شده یا پاره پاره می دانند که به

⁵ Lowe, Philip

⁶ Randall Collins

وسیله موانع نهادی صورت گرفته است و در درون هر یک از این قشرها، اصول نئوکلاسیک ها پذیرفته می شود. مطابق نظریه بازار دوگانه کار، دو نوع شغل را می توان تشخیص داد: مشاغل اولیه و مشاغل ثانوی (با مزد کم و بدون امنیت و امکان پیشرفت) یا آنچه که بعضی آن را «مشاغل پیشرو» و «مشاغل ایستا» می دانند (فرجی سبکبار و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به نحوه زیست و فعالیت های تولیدی در مناطق روستایی، ایجاد امکانات اشتغال در کنار فعالیت های کشاورزی از اهمیت ویژه ای بهره مند است. فصلی بودن ماهیت فعالیت های کشاورزی و طولانی بودن فصول و توقف این فعالیت و به ویژه بیکاری پنهان به وجود آمده که نتیجه تراکم بیش از حد جمعیت بر زمین های قابل کشت و زرع است، ضرورت ایجاد اشتغال و مبارزه با بیکاری را حیاتی کرده است.

نقش برنامه های آموزشی و سواد آموزی در اشتغال زنان روستایی

از عوامل مؤثر بر اشتغال زنان روستایی میزان برخورداری آنان از سطح سواد است. این عامل همانند پیکان دو لبه ای عمل می کند که علاوه بر ارتقای کارایی و توان شغل یابی زنان به لحاظ نبود زمینه های اشتغال متناسب و کافی، با سطح توقعات ایجاد شده جهت کسب شغل در مکان های خارج از روستا بر درجه بیکاری آنان می افزاید. از آن جا که اشتغال در روستاها عمدتاً به صورت غیر رسمی و کار در مزارع می باشد، لذا همان طور که از جدول فوق استنباط می گردد با افزایش سطح سواد از میزان اشتغال تولیدی و اقتصادی یا به عبارتی کار زراعی کاسته می شود. این در حالی است که ساعاتی را که صرف امور خانه داری می نمایند افزایش یافته است. عمده ترین دلیل این افزایش ساعات کار خانه داری را می توان در وجود فرزندان خردسال در این گونه خانواده ها دانست، چرا که غالباً افرادی با سطوح سواد بالاتر سن کمتری نیز داشته و خانواده های جوان را تشکیل می دهند و از این رو ساعات فراغت کمتری را نیز گزارش کرده اند؛ در حالی که زنان بی سواد و یا با سطح سواد ابتدایی عمدتاً دارای سنین بالاتری بوده که قاعدتاً وقت آزادشان نیز اندکی بیشتر می باشد (خمسخی ثابت، ۱۳۹۸).

نحوه و لزوم مشارکت زنان و راهبردهای مناسب آن:

در این بحث باید به دو محور اساسی در مورد مشارکت زنان جامعه توجه نمود:

۱- توجه به محدودیت ها موانع مشارکت زنان در فعالیت ها

برخی از مسائل و مشکلات اشتغال زنان، موانع توسعه ای است که به ساختار کشورها مربوط می شود و بخشی از آن موانع غیر توسعه ای و غیر ساختاری می باشد. از موانع توسعه ای؛ موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را می توان نام برد چلبی و هم و موانع غیر توسعه ای نیز به ویژگی های شخصیتی و فیزیولوژی زنان باز می گردد (چلبی، ۱۳۹۲).

الف) موانع فرهنگی

با وجود اینکه عامل اقتصادی در اشتغال زنان، دارای بیشترین اهمیت می باشد ولی مطالعات و بررسی های صورت گرفته نشان داده است که ارزش ها و باورهای فرهنگی رایج در یک جامعه، تأثیر مستقیمی بر میزان اشتغال زنان داشته است. در مورد ایران، فرهنگ پذیرفته شده در جامعه این باور را بوجود آورده است که در صورت عدم موفقیت شوهر با کار زن حتی در صورت تمایل او به ادامه کار، زن باید از کار خود چشم پوشی نماید. از مهمترین موانع فرهنگی بر سر راه اشتغال زنان در ایران می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت ها

۲. عدم آگاهی زنان ایرانی نسبت به حقوق شهروندی خود

۳. عدم آگاهی زنان از زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود برای فعالیت

۴. بالاتر بودن نرخ بی سوادی زنان نسبت به مردان

۵. پایین بودن درصد متخصصین و دارندگان مدارج علمی در بانوان نسبت به مردان

(ب) موانع اجتماعی

در بررسی موانع مشارکت زنان، جنبه های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آنان را نمی توان کاملاً از هم تفکیک کرد و موانع اجتماعی اشتغال زنان از موانع فرهنگی و اقتصادی آنان جدا نیست ولی با این حال مهمترین راه دستیابی به توسعه فرهنگی را آموزش و پرورش زنان می دانند. که در این زمینه دو نهاد مدرسه و خانواده را مهمترین عامل در آموزش، تربیت و جامعه پذیری زنان ارزیابی می کنند. ناکافی بودن آموزش در مورد زنان نسبت به مردان، فرصت رشد و ارتقاء شخصیت وجودی زنان را دچار مشکل می نماید و شرایط سختی برای اشتغال آنان ایجاد می نماید که باعث می شود زنان در زمینه های شغلی، یا شرایط مساوی با مردان را نداشته و اگر هم در شرایط مساوی با آنان باشند، کارفرمایان و مدیران با ابهاماتی که برای آنان نسبت به زنان وجود دارد و تصورات و پیش داوری های منفی نسبت به کار زنان، مردان را بر آنان ترجیح خواهند داد (سفیری، ۱۳۹۲).

راهکارهای نهادینه کردن مشارکت زنان

پس از پرداختن به بحث لزوم مشارکت زنان و شناخت محدودیت ها و موانع سر راه آنان، لازم است راهکارهایی برای رفع این مشکلات و نهادینه کردن مشارکت آنان در اجتماع اعمال شود. امروزه گزارش های منتشر شده بانک جهانی نشان می دهد که جهان به این نتیجه رسیده است که توسعه اقتصادی، به تنهایی پاسخگوی مفهوم کامل توسعه نمی باشد بر اساس آخرین گزارش های جهانی، سرمایه های ملی یا ثروت ملی شامل ۳ منبع اصلی است که عبارتست از:

۱- منابع انسانی

۲- نابع فیزیکی

۳- منابع طبیعی

که در یک نگاه اجمالی به ۳ کشور ژاپن، آلمان و ایران مشاهده می شود که منبع نیروی انسانی در کشور ما، تنها ۳۴ درصد از منابع و ثروت ملی را شامل می شود در حالیکه این رقم در کشور ژاپن و آلمان بالای ۷۵ درصد می باشد که این امر بیانگر این است که ما نتوانستیم به بهترین شکل از غنی ترین منبع خود (منبع انسانی) استفاده کنیم

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ اجرا، توصیفی- تبیینی است. جامعه آماری این تحقیق، شامل تمام مردان روستاهای شهرستان سروستان که زنان آنها در مشاغل اداری و خانگی (قالی بافی، صنایع دستی، تولید لبنیات، بسته بندی محصولات غذایی) مشغول به کار هستند، به تعداد ۱۲۵ نفر می باشد که با توجه به تعداد محدود جامعه آماری، با استفاده از روش تصادفی ساده و با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران، ۹۴ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته بود.

(الف) سوالات جمعیت شناختی: شامل سوالاتی است که طبقه اجتماعی، جنسیت و دیگر سوالات جمعیت شناختی را بررسی می کند.

(ب) پرسشنامه محقق ساخته دیدگاه مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان (۱۴۰۱)

این پرسشنامه ۳۷ گویه ای به صورت طیف لیکرت ۳ گزینه ای شامل موافقم (۱ نمره) تا مخالفم (۳ نمره) نمره گذاری شد. دامنه نمرات بین ۳۷ تا ۱۱۱ در نوسان می باشد. سوالات ۲، ۴، ۷، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴-۱۶، ۱۸-۲۲، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴-۳۶ به صورت معکوس نمره گذاری شد. ابعاد این پرسشنامه عبارتند از:

بعد ادراک (سوالات ۱-۱۷) با دامنه نمره ۱۷ تا ۵۱ و ۲- دیدگاه فرهنگی (سوالات ۱۸-۳۷) با دامنه نمره ۲۰ تا ۶۰. سوالات پرسشنامه اقتباس از تحقیقات انجام شده و مبانی نظری بیان شده در پژوهش های فروزنده و رکن‌الدین افتخاری (۱۳۹۸)، خمسخی ثابت (۱۳۹۸)، آگروال^۷ (۱۹۸۹)، سینگها و دبال^۸ (۱۹۹۵)، آخرتی و همکاران (۱۳۹۷) و سواری و همکاران (۱۳۹۶) می باشد. اعتبار این پرسشنامه توسط تحلیل عاملی اکتشافی KMO به میزان ۰.۸۵۶ به دست آمد که حاکی از مطلوب بودن روایی گویه ها بود. پایایی آن توسط آزمون آلفای کرونباخ به میزان ضریب ۰.۷۷۶ به دست آمد که حاکی از پایایی مطلوب این پرسشنامه می باشد.

یافته ها

فرضیه اول: بین سن مردان روستایی و دیدگاه آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ارتباط سن با دیدگاه مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان

سطح معنادار	رتبه بندی میانگین	تعداد مشاهدات	سن	
۰.۰۰۰	۳۷/۱۶	۳۴	۲۰-۲۹ سال	دیدگاه مردان روستایی به اشتغال زنان
	۶۷/۴۸	۲۴	۳۰-۳۹ سال	
	۵۵/۶۳	۱۶	۴۰-۴۹ سال	
	۳۴/۶۰	۲۰	۵۰ سال به بالا	
		۹۴	مجموع	

نتایج آزمون ویلکاکسون حاکی از آن بود که فرضیه تایید شده و بین سن مردان روستایی و دیدگاه آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$). رتبه بندی میانگین نشان داد بیشترین ارتباط در سنین ۳۰-۳۹ سال به میزان ۶۷/۴۸ و کمترین ارتباط در سنین ۵۰ سال به بالا به میزان ۳۴/۶۰ وجود دارد. فرضیه دوم: بین تحصیلات مردان روستایی و دیدگاه آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ارتباط سطح تحصیلات با دیدگاه مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان

سطح معنادار	رتبه بندی میانگین	تعداد مشاهدات	تحصیلات	
۰.۰۰۰	۱۱	۸	بی سواد	دیدگاه مردان روستایی به اشتغال زنان
	۲۱/۷۵	۱۶	ابتدایی	
	۶۶/۱۰	۳۴	راهنمایی	
	۴۶/۱۸	۱۹	دیپلم	
	۲۷/۵۰	۶	فوق دیپلم	
	۶۷/۱۸	۱۱	لیسانس	
		۹۴	مجموع	

⁷ Agrawal

⁸ Singha R. Debal K.

نتایج آزمون ویلکاکسون حاکی از آن بود که فرضیه تایید شده و بین سطح تحصیلات مردان روستایی و دیدگاه آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$). رتبه بندی میانگین نشان داد بیشترین ارتباط در سطح تحصیلی لیسانس به میزان ۱۸/۶۷ و کمترین ارتباط در سطح تحصیلی بی سواد به میزان ۱۱ وجود دارد. فرضیه سوم: بین وضعیت درآمد مردان روستایی و دیدگاه آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ارتباط وضعیت درآمد با دیدگاه مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان

سطح معنادار	رتبه بندی میانگین	تعداد مشاهدات	درآمد
۰/۵۳۷	۴۸/۳۱	۵۹	۱-۴ میلیون
	۴۴/۷۴	۳۴	۴/۱۰۰ میلیون به بالا
		۹۳	مجموع

نتایج آزمون من ویتنی حاکی از آن بود که فرضیه رد شده و بین درآمد مردان روستایی و دیدگاه آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$).

فرضیه چهارم: بین طبقه اجتماعی (شغل، درآمد و تحصیلات) مردان روستایی و دیدگاه آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون کروسکال والیس دیدگاه مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان بر حسب طبقه اجتماعی

سطح معناداری	رتبه بندی میانگین	فراوانی	طبقه اجتماعی
۰/۱۱۲	۴۳/۲۱	۴۵	پایین
	۴۸/۶۹	۴۰	متوسط
	۶۳/۶۷	۹	بالا
		۹۴	مجموع

برای بررسی تفاوت بین طبقه اجتماعی و دیدگاه مردان نسبت به اشتغال زنان از آزمون کروسکال والیس استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان می دهد که چون سطح معناداری بدست آمده ($p = ۰/۱۱۲$)، بیشتر از ۰/۰۵ می باشد می توان نتیجه گرفت که بین دیدگاه مردان نسبت به اشتغال زنان در طبقات مختلف اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد. فرضیه پنجم: بین سن مردان روستایی و ادراک آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ارتباط سن با ادراک مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان

سطح معنادار	رتبه بندی میانگین	تعداد مشاهدات	سن
۰/۰۰۰	۳۵/۶۶	۳۴	۲۰-۲۹ سال
	۶۸/۱۰	۲۴	۳۰-۳۹ سال
	۶۱/۵۰	۱۶	۴۰-۴۹ سال
	۳۱/۷۰	۲۰	۵۰ سال به بالا
		۹۴	مجموع

نتایج آزمون ویلکاکسون حاکی از آن بود که فرضیه تایید شده و بین سن مردان روستایی و ادراک آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$). رتبه بندی میانگین نشان داد بیشترین ارتباط در سنین ۳۰-۳۹ سال به میزان ۶۸/۱۰ و کمترین ارتباط در سنین ۵۰ سال به بالا به میزان ۳۱/۷۰ وجود دارد. فرضیه ششم: بین تحصیلات مردان روستایی و ادراک آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ارتباط سطح تحصیلات با ادراک مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان

سطح معنادار	رتبه بندی میانگین	تعداد مشاهدات	تحصیلات
۰.۰۰۰	۱۹.۰۰	۸	بی سواد
	۱۶.۲۵	۱۶	ابتدایی
	۶۶.۶۲	۳۴	راهنمایی
	۴۹.۰۵	۱۹	دیپلم
	۲۹.۵۰	۶	فوق دیپلم
	۶۱.۷۳	۱۱	لیسانس
		۹۴	مجموع

نتایج آزمون ویلکاکسون حاکی از آن بود که فرضیه تایید شده و بین سطح تحصیلات مردان روستایی و ادراک آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$). رتبه بندی میانگین نشان داد بیشترین ارتباط در سطح تحصیلی راهنمایی به میزان ۶۶/۶۲ و کمترین ارتباط در سطح تحصیلی ابتدایی به میزان ۱۶/۲۵ وجود دارد. فرضیه هفتم: بین وضعیت درآمد مردان روستایی و ادراک آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ارتباط وضعیت درآمد با ادراک مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان

سطح معنادار	رتبه بندی میانگین	تعداد مشاهدات	درآمد
۰.۵۹۲	۴۸.۱۴	۵۹	۱-۴ میلیون
	۴۵.۰۳	۳۴	۴/۱۰۰ میلیون به بالا
		۹۳	مجموع

نتایج آزمون من ویتنی حاکی از آن بود که فرضیه رد شده و بین درآمد مردان روستایی و ادراک آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$).

فرضیه هشتم: بین طبقه اجتماعی مردان روستایی و ادراک آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون کروسکال والیس ادراک مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان بر حسب طبقه اجتماعی

سطح معناداری	رتبه بندی میانگین	فراوانی	طبقه اجتماعی
۰/۲۳۴	۴۳/۸۳	۴۵	پایین
	۴۸/۷۴	۴۰	متوسط
	۶۰/۳۳	۹	بالا
		۹۴	مجموع

برای بررسی تفاوت بین طبقه اجتماعی و ادراک مردان نسبت به اشتغال زنان از آزمون کروسکال والیس استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که چون سطح معناداری بدست آمده ($P=0/234$)، بیشتر از $0/05$ می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که بین ادراک مردان نسبت به اشتغال زنان در طبقات مختلف اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد. فرضیه نهم: بین سن مردان روستایی و دیدگاه فرهنگی آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ارتباط سن با دیدگاه فرهنگی مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان

سطح معنادار	رتبه بندی میانگین	تعداد مشاهدات	سن	
۰.۰۰۰۸	۳۸.۴۶	۳۴	۲۰-۲۹ سال	دیدگاه فرهنگی مردان روستایی به اشتغال زنان
	۶۱.۹۰	۲۴	۳۰-۳۹ سال	
	۵۲.۰۰	۱۶	۴۰-۴۹ سال	
	۴۲.۰۰	۲۰	۵۰ سال به بالا	
		۹۴	مجموع	

نتایج آزمون ویلکاکسون حاکی از آن بود که فرضیه تایید شده و بین سن مردان روستایی و دیدگاه فرهنگی آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد ($P<0/05$).

فرضیه دهم: بین تحصیلات مردان روستایی و دیدگاه فرهنگی آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ارتباط سطح تحصیلات با دیدگاه فرهنگی مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان

سطح معنادار	رتبه بندی میانگین	تعداد مشاهدات	تحصیلات	
۰.۰۰۰۰	۴.۵۰	۸	بی سواد	دیدگاه فرهنگی مردان روستایی به اشتغال زنان
	۳۸.۸۱	۱۶	ابتدایی	
	۶۷.۲۸	۳۴	راهنمایی	
	۳۷.۷۴	۱۹	دیپلم	
	۲۳.۵۰	۶	فوق دیپلم	
	۶۰.۲۳	۱۱	لیسانس	
		۹۴	مجموع	

نتایج آزمون ویلکاکسون حاکی از آن بود که فرضیه تایید شده و بین سطح تحصیلات مردان روستایی و دیدگاه فرهنگی آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه یازدهم: بین وضعیت درآمد مردان روستایی و دیدگاه فرهنگی آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ارتباط وضعیت درآمد با دیدگاه فرهنگی مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان

سطح معنادار	رتبه بندی میانگین	تعداد مشاهدات	درآمد	
۳۲۳/	۰۸/۴۹	۵۹	۱-۴ میلیون	دیدگاه فرهنگی مردان روستایی به اشتغال زنان
	۳۸/۴۳	۳۴	۴/۱۰۰ میلیون به بالا	
		۹۳	مجموع	

نتایج آزمون من ویتنی حاکی از آن بود که فرضیه رد شده و بین وضعیت درآمد مردان روستایی و دیدگاه فرهنگی آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود ندارد ($P>0/05$).

فرضیه دوازدهم: بین طبقه اجتماعی مردان روستایی و دیدگاه فرهنگی آنها نسبت به اشتغال زنان رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون کروسکال والیس دیدگاه فرهنگی مردان روستایی نسبت به اشتغال زنان بر حسب طبقه اجتماعی

سطح معناداری	رتبه بندی میانگین	فراوانی	طبقه اجتماعی
۰/۷۰۳	۴۷/۶۸	۴۵	پایین
	۴۵/۸۰	۴۰	متوسط
	۵۴/۱۷	۹	بالا
		۹۴	مجموع

برای بررسی تفاوت بین طبقه اجتماعی و دیدگاه فرهنگی مردان نسبت به اشتغال زنان از آزمون کروسکال والیس استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که چون سطح معناداری بدست آمده ($p=۰/۷۰۳$)، بیشتر از $۰/۰۵$ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که بین دیدگاه فرهنگی مردان نسبت به اشتغال زنان در طبقات مختلف اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتایج

به گزارش سازمان جهان کار (۱۹۷۶)، ایران از لحاظ شاخص توسعه جنسیتی $۷۱۹/۰$ و رتبه ۷۸ در جهان را داراست. بنابراین بر این اساس، کم توجهی سازمان‌ها و مراکز متولی تهیه آمارهای رسمی و در نظر گرفتن زنان روستایی به عنوان جمعیت غیر شاغل و خانه دار، موجب پنهان ماندن نقش زنان در اقتصاد خانوار و به تبع آن توسعه روستایی و کشاورزی گردیده است. از طرفی نگرش مردان روستایی نسبت به زنان همراه با تحقیر و توهین و یا تبعیض جنسی در افراد جامعه نسبت به مسائل اقتصاد زنان زمینه برای یک نوع سردرگمی و احساس بی هویتی و ناامنی در آنان مهیا می‌کند. افزون بر این نبود باور در جامعه روستایی به نقش‌ها کلیدی زنان و بی توجهی دست‌اندرکاران برنامه‌های توسعه نسبت به روابط و مناسبات جنسیتی موجب می‌شود که در اغلب این کشورها زنان روستایی عناصری حاشیه‌ای، غیر فعال و غیر مولد به حساب آمده، در برخورداری از آموزش‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد، ارتباط با بازار کار و در یک کلام، در مشارکت و تصمیم‌گیری در سطوح خرد و کلان، همچنان در حاشیه قرار گیرند. بررسی میزان بهره‌مندی زنان از حقوق اقتصادی خود مانند حق اشتغال و مالکیت از ضرورت‌های جامعه امروز است؛ زیرا تجربه نشان داده است که حضور زنان در اجتماع با حفظ حریم‌های شرعی نه تنها شکلی به وجود نیاورده است بلکه در بسیاری از موارد راهگشا نیز بوده است. اشتغال از جمله حقوق اجتماعی زنان است که آنان با انتخاب شغل مناسب با ظرفیت‌های خود، آزاد هستند تا علاوه بر بهره‌مندی از مزایای حاصل از تلاش خود در سازندگی اجتماع نیز سهمیم باشند. اشتغال، یکی از حقوق اجتماعی زنان است. اشتغال زنان از قرن نوزدهم میلادی به عنوان یک پدیده اجتماعی مطرح شد و امروزه به عنوان یکی از فاکتورهای سنجش توسعه یافتگی کشورها سنجیده می‌شود. افزایش میزان زنان شاغل بیانگر نوعی تلاش برای استفاده از نیروی کاری است که سال‌ها نادیده گرفته شده است. این نادیده گرفتن و این حضور با واکنش‌ها و رویکردهای مختلفی در جوامع مواجه شده است. موافقان بر آن اند که به دلیل شرایط خاص اقتصادی - اجتماعی اشتغال زنان خارج از خانه و گسترش آن امری لازم و ضروری است. زیرا اشتغال زنان در رفع مشکلات بی‌سوادگی، افزایش بی‌رویه جمعیت، متعادل کردن درآمدها، و رفع مشکلات و شکاف درآمدی و غیره مؤثر است. البته، برخی نیز تحمیل کارهای طاقت‌فرسا، اذیت و آزار جنسی در محیط کار، سست شدن کانون خانواده، و افزایش بیکاری مردان را از اثرهای منفی اشتغال زنان می‌دانند. زنان

روستایی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در بحث تولید و معیشت دارند زیرا تولید در روستاها براساس سازمان خانوادگی استوار است و زنان وظایف آشکار و پنهان بی شماری را دارند و نقش اقتصادی زنان در روستا کاملاً ملموس و عینی است. زنان روستایی رکنی از واحدهای تولیدی و ساختار اقتصادی جوامع هستند و به عنوان نیروی کار، تقریباً در تمامی بخش‌های اقتصادی روستا فعال هستند. مهمترین فعالیت‌های زنان عبارت است از نقش همسر، مادر، تولیدکننده محصولات زراعی، فعالیت‌های دامداری، همچنین نقش آنان در ایران در فعالیت‌های اقتصادی به ویژه کشاورزی و صنایع دستی انکارناپذیر است.

در فرایند توسعه پایدار، جایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان روستایی بیش از دیگر زنان مرهون شرایط محیطی بوده است. در مواقعی، استیلای شاخص‌های ناپایداری (عقب ماندگی در فضای روستایی باعث شده است آنها، به رغم گستردگی مشارکت خود در فعالیت‌های روزانه، همواره به عنوان اقشار آسیب پذیر، در تله‌ای از محرومیت شامل بی قدرتی، ضعف جسمانی، و فقر گرفتار آیند و بالطبع جایگاه زنان را در فرایند توسعه پایدار به شدت تنزل دهد.

در شرایط رجحان شاخص‌های توسعه پایدار بر مکان و فضای جغرافیایی روستا و کاهش باورهای نادرست عامیانه در تعریف جایگاه زنان روستایی بستری مناسب‌تر برای ارتقای شأن و منزلت این زنان و رهایی از محرومیت‌های مذکور ایجاد شود. به عقیده هیستریج^۹، زنان بزرگترین گروه محرومان جهان اند. برنامه ریزان و کارشناسان باید تلاش‌های خود را به سمت کاهش محدودیت‌ها و محرومیت‌ها سوق دهند و زنان روستایی را به سمت برابری اقتصادی و اجتماعی هدایت کنند. صاحب نظران توسعه روستایی بر این باورند که شناخت توانمندی‌ها و مهارت‌های زنان به خصوص زنان روستایی، و هدایت استعداد‌های آنان می‌تواند در بهره‌برداری از ظرفیت‌های این قشر عظیم اجتماعی مؤثر واقع شود. به عبارتی، شناخت الزامات گوناگون زنان روستایی تدابیر و امکان‌مناسی برای برنامه‌ریزی در جهت به کارگیری مهارت‌های کارآفرینی شاغلان پنهان جامعه روستایی فراهم خواهد ساخت. اگرچه در چند دهه اخیر با اجرای برنامه‌های توسعه، سطح سواد و تحصیلات و مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی زنان در جامعه ایران بالا رفته است، شواهد نشان می‌دهد متناسب با ارتقای سطح تحصیلات و مهارت‌های زنان مشارکت آنان در حوزه‌های مختلف رشد چندانی نداشته است و این موضوع در خصوص زنان روستایی مصداق بیشتری می‌یابد، زیرا تحقق توسعه پایدار روستایی مستلزم وجود انسان‌های مشارکت‌جو و مسئولیت‌پذیر است. چنان‌که از مجموعه نظریات و نتایج پژوهش‌های متفاوت به خوبی مشخص است، اینکه زنان روستایی، گذشته از نقش خانه‌داری و نقش تعیین‌کننده‌ای که هم‌زمان با کمک در فعالیت‌های اقتصادی خانواده ایفا می‌کنند، نه تنها معمولاً حقوق و دستمزد دریافت نمی‌کنند، بلکه فعالیت اقتصادی آنان به رسمیت شناخته نمی‌شود یا اصلاً به حساب نمی‌آید. این وضعیت در جوامع مبتنی بر دامداری، زراعت، و باغداری به شدت با سطح توسعه جامعه ارتباط دارد.

⁹ hysterics

منابع

- [۱] ابراهیمی، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر اشتغال زنان از دیدگاه مردان (مطالعه موردی مردان منطقه هشت شهرداری تهران).
- [۲] احمدی، فاطمه (۱۳۹۹). حق اشتغال زن در نظام حقوقی ایران و حقوق بین الملل. پژوهش های اسلامی جنسیت و خانواده سال سوم پاییز و زمستان ۱۳۹۹ شماره ۵. ۹۷ - ۱۱۰.
- [۳] ازکیا، مصطفی. (۱۳۹۳). مطالعه تحول هویت فرهنگی در بین دختران دبیرستانی مطالعه موردی دانش‌آموزان دبیرستان اسراء (کردستان ایران؛ هورامان تخت). "جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۵(۱۴)، ۲۳-۴۲.
- [۴] استیری، لیلی؛ تفضلی، حسین؛ سلطانی، علیرضا(۱۳۹۸). جایگاه اشتغال زنان در سیاست‌های کلان کشور بعد از انقلاب اسلامی. فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی. سال سیزدهم، شماره ۴۶، ص ۱۵۹-۱۸۱.
- [۵] اسدزاده، احمد. میرانی، نینا. قاضی خانی، فروغ. اسمعیلی درجانی، (۱۳۹۶). نجمه. هنردوست، عطیه، بررسی نقش اشتغال و تحصیلات زنان بر رشد اقتصادی ایران، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۵، شماره ۳.
- [۶] ایدر، نبی ال و سلطانی، فخرالدین، (۱۳۹۶). تحلیلی بر جامعه‌شناختی عوامل موثر بر گزینش شغل زنان در خارج از منزل (مطالعه موردی: زنان شهر اهواز)، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال یازدهم، شماره سوم، پیاپی ۳۹.
- [۷] آخرتی، محمود؛ الهه آهنگری، محمد طحان، (۱۳۹۷). بررسی مهمترین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال نهم، شماره ۳۵، صص. ۱۰۵-۱۱۶.
- [۸] آخرتی، محمود؛ آهنگری، الهه؛ طحان، محمد(۱۳۹۷). بررسی مهمترین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی. نشریه علمی زن و فرهنگ ۱۰.۳۵: ۱۱۶-۱۰۵.
- [۹] باقری، شهلا، ۱۳۸۲، اشتغال زنان در ایران، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- [۱۰] بحرینی، محمدجواد و العبدالخانی، ساجده. (۱۳۹۴). جایگاه اشتغال زنان از نظر اسلام. پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۳۷-۱۱۹.
- [۱۱] بشیریه، حسین؛ (۱۳۹۴). بررسی میانی و انواع بیکاری و ارائه راهکارها، تهران، موسسه نگاه معاصر، ۲۳۵ ص.
- [۱۲] بنی فاطمه، حسین؛ کوهی، کمال (۱۳۸۵). راهکارهای نهادینه کردن مشارکت زنان، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال اول، پیش شماره اول، صص ۸۹-.
- [۱۳] ترکمن، سولماز و فتحی، سروش. (۱۳۹۵). تحلیل اثرهای اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی زنان شاغل در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری). فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال هفتم، شماره ۴.
- [۱۴] ترکمن، سولماز، فتحی، سروش (۱۳۹۵). تحلیل اثرهای اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی زنان شاغل در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان
- [۱۵] ترنر، جانانان اچ (۱۳۹۳) نظریه نوین جامعه‌شناختی، مترجم علی اصغر مقدس، مریم سروش، چاپ اول، تهران، نشر جامعه‌شناسان.
- [۱۶] چلیبی، مسعود(۱۳۹۲). احتساب سهم زنان در تولید کشور، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، س ۴.
- [۱۷] الخانی، ساجده؛ بحرینی، محمدجواد(۱۳۹۴). جایگاه اشتغال زنان از نظر اسلام. نشریه پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده. ۱۱۹-۱۳۷ (۲۰) ۸.
- [۱۸] خمسخی ثابت، سید امیر (۱۳۹۸). تاثیر متغیرهای اصلی توسعه بر اشتغال زنان و کشاورزی پایدار روستایی در استان گیلان (۱۳۹۸). فصلنامه دانش انتظامی گیلان. سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۹۸. ص ۱-۲۲.
- [۱۹] رامبد، املیا؛ مختاریپور، مهدی. (۱۳۹۹). بررسی جامعه‌شناختی تاثیر اشتغال زنان بر توسعه اجتماعی ایران(مطالعه موردی: زنان صاحبان مشاغل خانگی در مناطق ۶۱ و ۶۱ تهران). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره سوم.

- [۲۰] رامبد، امیلیا؛ مختارپور، مهدی. (۱۳۹۹). بررسی جامعه شناختی تاثیر اشتغال زنان بر توسعه اجتماعی ایران (مطالعه موردی: زنان صاحبان مشاغل خانگی در مناطق ۱۶ و ۱۹ تهران. مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال دوازدهم، (شماره ۳) (پیاپی ۴۷)، ۱۵۸-۱۳۳.
- [۲۱] رستمعلی، ولی اله و رضائیان قراگوزلو، آذین. (۱۳۹۹). عوامل بازدارنده مشارکت اقتصادی زنان از سوی خانواده در جامعه محلی (مطالعه روستای بهده شهرستان پارسیان). فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال یازدهم، شماره ۱.
- [۲۲] رضائی، مهرانگیر. (۱۴۰۰). بررسی تغییرات فضایی- زمانی شاخص اشتغال زنان در نواحی روستایی استان اصفهان (۱۳۷۵-۱۳۹۰). پژوهش های جغرافیای انسانی، ۵۳(۳)، ۱۱۰۳-۱۱۱۹.
- [۲۳] طالشی، مصطفی؛ حکیم دوست، سید یاسر. (۱۳۹۸). تحلیل فضایی توسعه یافتگی مناطق روستایی با تأکید بر نقش آفرینی اشتغال زنان روستایی در شهرستان رامسر. مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی ۱۴(۲)، ۴۸۹-۴۷۳.
- [۲۴] عابدی، محمد رضا؛ محمدی، سارا؛ نیلفروشان، پریسا؛ عریضی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). اثربخشی مشاوره مسیر شغلی بر چالش های اشتغال زنان و کیفیت زندگی کاری آنان در صنعت. مشاوره شغلی و سازمان، ۱۱۳(۱)، ۲۴-۹.
- [۲۵] عسکری ندوشن، عباس؛ نرجس، جهانگیر؛ محمد، نوریان نجف آبادی (۱۳۹۱). تحلیلی بر رابطه طبقه اجتماعی و ساختار قدرت خانواده در شهر اصفهان، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال ششم، شماره، ۱۶ صص ۲۱۶-۱۸.
- [۲۶] علیایی، محمد صادق، احمد رضوانفر و مرتضی اکبری، (۱۳۸۸). تحلیل عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر سهم زنان روستایی از درآمد خانوار: مطالعه موردی شهرستان دیواندره، فصلنامه علوم کشاورزی و منابع طبیعی، جلد ۱۶، ص ۱۲-۲۲.
- [۲۷] علی محمدزاده خلیل، (۱۳۹۴) تعیین کننده های مؤثر بر تمایل به سزارین (مطالعه موردی: زنان باردار شهر تهران). " زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) ۱۳.۳: ۳۵۷-۳۷۶.
- [28] Aaltio, Iris, Kyro, Paula, Sunndin, Elisabeth (2008) ,Human Entrepreneurship and Social Capital: A Dialogue.
- [29] Aaltio, Iris, Kyro, Paula, Sunndin, Elisabeth (2008) ,Human Entrepreneurship and Social Capital: A Dialogue.
- [30] Adler; P. S. (2002). Social capital prospect for a new concept. Academy of Management Review; 12, (1),17-18.
- [31] Agrawal Bina,(1998-1989) A Field of ones own gender and land Riyhts in south Asia . Cambridge university press.
- [32] Alizad, E, Bahrami, S. (2017). The Role of Rural Women in Creating Green BusinessCase study: Two villages of Ghaleh Ghaveh high and Shoe neighborhood of Golestan province. Social Work Journal, 2 (7),432-440. (In Persian)
- [33] Allen; T. D., Herst, D. E. L., Bruck, C. S., & Sutton, M. (2000). Consequences associated with work-to family.
- [34] Bolino; M. (2002). Citizenship behavior and creation of socialcapital in organizations. Academy of Management.
- [35] Bolino; M. (2002). Citizenship behavior and creation of socialcapital in organizations. Academy of Management.
- [36] Byron; K. (2005). Ameta analytic review of work-family conflict and its antecedents. Journal of Vocational conxict: A review and agenda for future research. Journal of Occupational Health Psychology; 5, 278-308.
- [37] Byron; K. (2005). Ameta analytic review of work-family conflict and its antecedents. Journal of Vocational conxict: A review and agenda for future research. Journal of Occupational Health Psychology; 5, 278-308.

- [38] Daalen; G.V., Willemsen, T.M., & Sanders, K. (2006). Reducing work-family conflict through different sources. School Psychology. Of social support. Journal of Vocational Behavior; 69, 462-476.
- [39] Dadvarkhani, F.; Darban astane, A.; Najjarzadr, M.; Torabi, Zabih allah, and Hajari, Bahram, 2019, Spatial analysis of Iranian rural women's employment pattern in services sector. Geographical Research Quarterly, Vol. 8, No. 32, PP. 1-10.
- [40] Debal K. Singha Roy (1995) Women ,New technology and development ,changing nature of Gender relations in rural India ,Manohar ,India.
- [41] Donnelly, K., Twenge, J. M., Clark, M. A., Shaikh, S. K., Beiler-May, A., & Carter, N.T. (2016), Attitudes toward women's work and family roles in the United States, 1976–2013. Psychology of Women Quarterly, 40(1), 41-54.
- [42] Efati, M. (2016). The role of women in the livelihood of rural society. Village and Development Magazine, 15,232-240. (In Persian)
- [43] Fatima, G. (2010). "Female education as a determinant of economic growth (A case study of Pakistan)", Internationa Conference on Applied Economics, PP 167-171. Feminist analysis, in Marshall, B.L., & Witz, A. (eds), Engendering the Social. Feminist Encounters with Finnish adolescent's perceptions of social support: A cross-cultural analysis.
- [44] Foroutan, Y. (2019a), Cultural analysis of Half-Century Demographic Swings of Iran:The Place of Popular Culture, Journal of Ethnic and Cultural Studies, 6 (1): 77-89.
- [45] Foroutan, Y. (2020), Ethnic or Religious Identities?: Multicultural Analysis in Australia from Socio-Demographic Perspective, Journal of Ethnic and Cultural Studies, 7 (1): 1-14.
- [46] Ghaee, J., Green, W., & Carole, A. (2018). Estimating the parameters of a household production function with joint products. The review of economics and statistics, 66(2), 277-282.
- [47] Goode WJ. World revolution and family patterns. 1963.
- [48] Habiba, U., Ali, R., & Rasheed, A. (2016), Public Attitude Towards Women's Employment: Perceptions of Working Women in Urban Pakistan. Middle-East Journal of Scientific Research, 24(8), 2444-2449.
- [49] theory: Possibilities for Manage. Exec. 14: pp.1-15. Moderator of work- family conflict Journal of Vocational Behavior; 75, 26-37.
- [50] Lesthaeghe, R., & Surkyn, J. (2008), When history moves on: The foundations and diffusion of a second demographic transition. In R. Jayakody, A. Thornton, & W. G.
- [51] Lindsey, L. L. (2015), Gender roles: A sociological perspective: Routledge. McDonald, P. (2000), Gender equity in theories of fertility transition. Population and development review, 26(3), 427-439.
- [52] Liu, Q. and Shi, Z., 2017, Analysis on the Willingness of Rural Women's Moving to Towns in Henan Province. Proceedings of the 2017 3rd International Conference on Humanities and Social Science Research.
- [53] Lowe, Philip, Jeremy Phillipson, Amy Proctor, Menelaos Gkartzios" (2018)Expertise in rural development: A conceptual and empirical analysis." Centre for Rural Economy, School of Natural and Environmental Sciences, Newcastle University,The Authors. Published by Elsevier Ltd.This is an open access article under the CC BY license.
- [54] Maneja, claire Aster p.(2002), Women weaving and the web:an Analysis of rural Indian womens Agency in Attaininy economic empowerment, master of arts thesis in commuication, culture and techoloy/,washinyton,D.C.
- [55] Rowland, D. T. (2012), Population aging: the transformation of societies (Vol. 3): Springer Science & Business Media.

- [56] Sánchez-Martín, J.; Rengifo-Gallego, J. and Blas-Morato, R., 2019, Hot Spot Analysis versus Cluster and Outlier Analysis: An Enquiry into the Grouping of Rural Accommodation in Extremadura (Spain). *International Journal of Geo-Information*.
- [57] Simouns; T. D., Herst, D. E. L., Bruck, C. S., & Sutton, M. (2021). Consequences associated with work-tofamily.
- [58] Sullivan, O., Gershuny, J., & Robinson, J. P. (2018), Stalled or Uneven Gender Revolution? A Long-Term Processual Framework for Understanding Why Change Is Slow. *Journal of Family Theory & Review*, 10(1), 263-279.
- [59] Taylor F. Content analysis and gender stereotypes in children's books. *Teaching Sociology*. 2003:300-311.